

اشاره به مراحل دشوار پیش روی زنان برای اثبات وقوع جرم به دلیل خلأهای قانونی، در جای جای فیلم از وخامت شرایط در حمایت از زنان آسیب دیده حکایت دارد. این همان عاملی است که زنان را از شکایت باز می‌دارد و در مقابل، سوءاستفاده‌گران را از تکرار ارتکاب جرم منع نمی‌کند



روایتی آشنا از زنان آسیب دیده

نقد و بررسی فیلم «استاد»

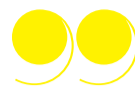
نقیسه طهوری

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی

حسینی به شکل هوشمندانه‌ای بی‌بی توجیهی به سوزه اصلی داستان، این پیام را به خوبی به مخاطب منتقل می‌کند که اگر چه قربانی این ماجرا گلنوش است اما تنها کسی که بدرستی دیده نمی‌شود، صدایش شنیده نمی‌شود و به تجربه تلخی که پشت سر گذاشته پرداخته نمی‌شود همین دختر است و آنچه بیشتر و پررنگ‌تر به چشم می‌آید نمایش قدرت و زورآزمایی مردان مدعی است. اشاره به مراحل دشوار پیش روی زنان برای اثبات وقوع جرم به دلیل خلأهای قانونی، در جای جای فیلم از وخامت شرایط در حمایت از زنان آسیب دیده حکایت دارد. این همان عاملی است که زنان را از شکایت باز می‌دارد و در مقابل، سوءاستفاده‌گران را از تکرار ارتکاب جرم منع نمی‌کند. تلاش زنان برای حفظ آبرو و ترس از متهم شدن به خطا کاری، دیگر عاملی است که باعث صرف نظر قربانیان از طرح شکایت از متجاوزان در مجامع قانونی می‌شود و در نتیجه این چرخه معیوب را باز تولید می‌کند که در دیالوگ‌هایی از فیلم به درستی به آنها اشاره شده: بروزنگ بزن به پلیس ببین کی باید از کی شکایت کنه اگر بهش توصیه نامه می‌دادم هر کاری باهاش می‌کردم صدادش در نمی‌آمد اگر بقیه بفهمن چی میشه تو که داری میری اونی که مقصر میشه منم پایان بندی باز فیلم در سکوت، به نوعی به سرگشتگی و تنهایی زنان در مواجهه با این رنج اشاره دارد و گویی مخاطب را دعوت به تأمل و قضاوت در مورد روایت داستان می‌کند.

کارگردان سعی داشته با ورود به موضوعاتی چون خیانت و عشق به شکلی پر تعلیق به چالش‌های پیش روی خانواده و روابط اجتماعی زنان در جامعه امروز ایران بپردازد و تلاش کرده در نمایشی به دور از قضاوت، به جنبش موسوم به «من هم» (می تو) و افشای سوءاستفاده و تعرض به زنان توسط صاحبان قدرت در سطوح مختلف اشاره کند و در حد بضاعت صدای این قربانیان را منعکس نماید

فیلم استاد به کارگردانی عماد حسینی و تهیه‌کنندگی بهروز افخمی، فیلمی اجتماعی و برداشتی آزاد از نمایشنامه اولانا اثر دیوید ممت است که البته در سکانس‌هایی از فیلم مخاطب را به یاد فیلم فروشنده اصغر فرهادی می‌اندازد. «استاد» فیلمی تک لوکیشن است که به سوزه پرتنش تجاوز و آزار جنسی می‌پردازد. ماجرای فیلم در یک خانه تاریخی، اتفاق می‌افتد و روایتگر داستان دختر جوانی به نام گلنوش است که به دنبال دریافت پذیرش تحصیلی از یکی از دانشگاه‌های اتریش برای گرفتن توصیه‌نامه به سراغ یکی از استادان به نام رشته خود می‌رود و در این پروسه مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد. کارگردان سعی داشته با ورود به موضوعاتی چون خیانت و عشق به شکلی پر تعلیق به چالش‌های پیش روی خانواده و روابط اجتماعی زنان در جامعه امروز ایران بپردازد البته در برخی سکانس‌ها این تعلیق به روند داستان آسیب زده و به دلیل کشدار شدن از حوصله مخاطب خارج شده است. فیلم سعی داشته در نمایشی به دور از قضاوت، به جنبش موسوم به «من هم» (می تو) و افشای سوءاستفاده و تعرض به زنان توسط صاحبان قدرت در سطوح مختلف، اشاره کند و در حد بضاعت صدای این قربانیان را منعکس نماید.



زنان، گمشدگان سینما

نقدی بر بازنمایی زن در سینمای ایران و جهان

زهرا سادات رضوی علوی

دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

خواننده می‌شود، عمدتاً منفعل و بی‌دست و پا تصویر می‌شود یا سرگردان و حیران و بریده از جامعه. در این نوع از سینما که بخش عمده‌ای از سینمای ما را در برمی‌گیرد، چیزی از سنخ کنش‌پذیری به جای کنش‌گری زنانه به مخاطب قالب می‌شود و هیاهو، شعارزدگی و موضوع‌زدگی جای تجربه‌های ناب و اصیل زنانه و انسانی را گرفته است. موضوع اصلی سینمای اجتماعی ایران پرداختن به آسیب‌های اجتماعی است اما در این ویرین، دردها و رنج‌های زنان، آنقدر اغراق‌آمیز به تصویر کشیده می‌شود که همراهی و همدلی تماشاگر، تبدیل به ترحم می‌شود و حتی رزنه‌ای برای تغییر بازنمایی‌مانند. تصویر ارائه شده از زن امروز در سینمای اجتماعی ما تصویری منفعل، خسته و عصبی است که با تسلیم است یا مقاومتش از جنس نابودی است؛ در نتیجه هویتی که از زنان ساخته می‌شود برابر است با شدن هم‌تافت می‌شود.

زن واقعی و آشنای امروز ما که در تلاطم‌های اجتماعی و تاریخی، ریشه‌های هویتی خود را حفظ کرده است، کمتر در سینمای ما به چشم می‌آید. یافتن این زن در زندگی امروز کاری دشوار است و آسان؛ دشوار از آن جهت که باید آوار روزمرگی و هیاهوی مد روز را به کناری زد و تجربه‌های چنین زنانی را در وقایع مختلف این چهل و چند سال کشف کرد و آسان از این روی که در پیرامون ما فراوان و فراوان چنین زنانی وجود دارند که دیروز و امروز این کشور را ساخته‌اند و فردای آن نیز با امید به همین زنان رقم خواهد خورد.

می‌توان آثاری را در سینمای ایران شمرد که ما را با تجربه چنین زنانی همراه می‌کند اما هنوز به جریان اصلی تبدیل نشده است. جشنواره‌های خارجی، تصویر «زن قربانی» را از ما می‌پسندند اما آنچه می‌تواند افقی در مقابل نسل امروز زنان ایران باز کند بازنمایی تصویر زنانه است که با حفظ هویت زنانه و در امتداد هویت تاریخی و آیینی این سرزمین، در میدان‌های تأثیرگذاری، حضور و تپش دارند. در جشنواره امسال رگه‌هایی از این نگاه وجود دارد اما همچنان زنان واقعی امروز با زنانگی اصیل و انسانی‌شان، گمشدگان بزرگ سینما هستند.

برای آنان که اهل سینما هستند دوران طلایی سینما - سینمای کلاسیک- همواره آشنا و الهام‌بخش است. زن در گزیده‌ای از آثار مهم سینمای کلاسیک و در عصر طلایی سینما یک عنصر پویا، فعال، کنشگر و مسأله‌حل‌کن تصویر شده است. فهرست پر و پیمانی از آثار سینمایی کلاسیک وجود دارد که زن را اینگونه به تصویر می‌کشد؛ زنانی که کار را بدرستی پیش می‌برند، می‌توان روی آنها حساب باز کرد و در عین حال کاملاً زن هستند، بی‌آنکه ادای مردان را درآورند.

این زنان عمدتاً باهوش و زیرک اند و در عین حال زیبا، عاطفی، دقیق و گاهی سرخوش و سربه‌هوا اما در همه حال موجودی شریف و دوست‌داشتنی‌اند که در مسیر داستان مؤثرند؛ تغییر ایجاد می‌کنند و خود نیز دگرگون می‌شوند. در این آثار، کارگردان به دنبال خلق ابرقهرمان یا ابرزن نیست بلکه در دل یک زندگی واقعی-خیالی زنی را می‌آفریند که گویی سال‌ها در کنار ماست و ما او را می‌شناسیم. نگاه واقعی و معمولی و نه اغراق‌شده به زن در طول داستان اتفاقاً این‌بار را در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند که زنانگی همین است؛ کنشگر، فعال، شاد و مؤثر. گاه این تصویر به قدری دقیق و درست خلق می‌شود که زن، وجهی اسطوره‌ای- مثالی می‌یابد و اگرچه در دل یک زمان و مکان معین قرار گرفته اما از زمان و مکان فرامی‌رود.

این همان زنی است که در سینمای امروز جهان، کمتر یافت می‌شود. سینمای امروز یا به دنبال خلق ابرقهرمان از زنان است که با قدرت‌های ماورایی در پی سلطه بر جهان و فرموله کردن نظریات فمینیستی هستند یا به دنبال کاویدن وجهی اروتیک از زن. زنانگی در سینمای امروز در خدمت صنعت سینماست و نه سینما در خدمت ساخت چهره‌ای انسانی و زنانه از زن. در سینمای امروز ایران نیز وضعیت دلخواه نیست. زن در سینمای ما با تصویر واقعی‌اش بسیار فاصله دارد؛ زن در آنچه که سینمای اجتماعی

